

مجله دانش سیاسی و بین‌الملل، سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۱

تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۰۶/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۷/۲۹

صص ۷۰ - ۴۷

## رویکرد روسیه در قبال گسترش اتحادیه اروپایی به شرق

فرهاد دانش‌نیا، معصومه زارعی هدک

عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه رازی کرمانشاه و عضو گروه پژوهشی مطالعات سیاسی - اقتصادی

عراق

f.dnshn@razi.ac.ir

کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان

### چکیده

اتحادیه اروپایی به عنوان موتور تغذیه کننده ثبات و امنیت اقتصادی - سیاسی قاره اروپا خواهان مشارکت همه دولت‌های اروپایی در روند همگرایی این اتحادیه است. روسیه نیز، در این راستا منافع حیاتی و نقش مؤثری را برای خود در قبال نهاد یاد شده تعریف نموده است. یکی از اهداف اتحادیه اروپایی نیز، بازگشت روسیه به روسیه اروپایی و خصوصیات اروپا محور خود است. نتایج حاصل از پژوهش حاضر در چارچوب نظریه نهادگرایی نولیبرال نشان می‌دهد که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی الگویی از وابستگی متقابل میان روسیه و اتحادیه اروپایی در حال شکل‌گیری است و مواجهه روسیه با این اتحادیه در چارچوب اتخاذ رویکرد اقتصاد سیاسی به سیاست خارجی خود به ویژه در زمان پوتین قابل فهم است. در این راستا سیاست فدراسیون روسیه مبتنی بر سازگاری فرم‌اسیون اقتصادی، نیروهای اجتماعی تأثیرگذار و منافع موجود درون این کشور با فضای بین‌المللی جهت بهره‌برداری از امکانات ساختار اقتصاد سیاسی جهانی و نهادهای فراملی نظیر اتحادیه اروپاست. برآیند این رویکرد تقویت و ترویج رابطه روسیه با اتحادیه اروپا پس از گسترش اتحادیه اروپایی به سوی اروپای مرکزی و شرقی بوده است.

**واژه‌های کلیدی:** رویکرد اقتصاد سیاسی، نهادگرایی نولیبرال، چندجانبه‌گرایی، فدراسیون روسیه، گسترش اتحادیه اروپا.

## تبیین مسأله پژوهش:

یک دهه قبل، فروپاشی شوروی به زعم عده‌ای مصادف با پایان تاریخ تلقی گردید. لیکن سقوط دیوار برلین و به انزوا کشیدن ایدئولوژی کمونیستی، امید تازه‌ای را در جهت ایجاد یک اروپای متحد بر انگیخت. اکنون این اروپای متحد با پذیرا شدن اصلاحات وسیع و چشمگیری، شرق اروپا و فدراسیون روسیه را نیز در بر می‌گیرد. از دیگر سو چالش‌هایی که روسیه در بنا نهادن هویت جدید خود با آن روبرو است، مستقیماً به سیاست خارجی این کشور مرتبط است (بلینگتون، ۱۳۸۵). سیاست خارجی روسیه بازتاب جستجو برای هویتی نوین، تلاش به سوی آشتی دادن منافع ملی - تاریخی این کشور با جوهره نوین در حال ظهور سیاسی و اجتماعی کشور مزبور در نظام اقتصاد سیاسی جهانی است. بخش عمده‌ای از این روند برآیند اضطرارها و فشارهایی است که از سوی نیروهای نظم نوین جهانی القا شده‌اند. جایی که جریان‌های متناقضی مانند جهانی شدن، منطقه‌گرایی و یکجانبه‌گرایی آمریکا به نظر حکمفرما هستند. پس از جنگ سرد، جهت‌گیری‌های متفاوت و متناقضی در سیاست خارجی روسیه پدیدار شد. این جهت‌گیری‌ها عبارتند از: گرایش به سوی غرب، رویکرد همکاری با آسیا، گرایش به سوی ایالات متحده (پانفیلوا، ۱۳۸۵).

همچنین یکی از سنگ بناهای سیاست خارجی روسیه تمایل به همکاری با دولت‌های مستقل و متمدن جهان است که طبیعتاً در این راستا اولویت روسیه برقراری ارتباط با دیگر دولت‌های اروپایی است. در دوران ریاست جمهوری پوتین، سیاست روسیه غالباً اروپا محور بوده است. به نظر می‌رسد

علاوه بر ترجیح‌ها و تفکرات شخصی پوتین در برقراری ارتباط با اتحادیه اروپایی، عناصر ملموس و عینی دیگری نیز، برای تسریع رهیافت اروپا محور در روابط روسیه موجود است. یک سوم تجارت روسیه با اتحادیه اروپایی صورت می‌گیرد. اهمیت مسائل ژئوپلیتیکی را در روابط روسیه و اتحادیه اروپایی را نمی‌توان از نظر دور داشت. چرا که نگرانی‌ها و حساسیت‌های امنیتی - سیاسی مشترکی میان آنها وجود دارد. به طور کلی این مسائل زمینه ساز بستری مناسب و ایده آل برای گسترش همبستگی‌های مختلف میان روسیه و اروپای غربی است. با بررسی دقیق‌تر دیپلماسی روسیه می‌توان دریافت که نحله فکری نوظهوری در سیاست خارجی قرن ۲۱ این کشور ایجاد شده است. این مکتب جدید اذعان می‌دارد که دوره تفکر اوراسیاگرایی برای روسیه به پایان رسیده و اکنون وقت آن است تا این کشور با بقیه نقاط اروپا رویکرد تعامل‌گرایانه در پیش بگیرد. دولتمردان روسی به خوبی می‌دانند که در وضعیت کنونی و با توجه به سیستم چند قطبی، گزینه مناسب برای تحقق اهداف سیاست خارجی کشورشان، برقراری فضایی عاری از تنش و نا امنی است. تنها چنین ساختاری است که می‌تواند زمینه ساز بازیگری روسیه و کمرنگ شدن تفوق و برتری آمریکا باشد. از این نظر اتحادیه اروپایی بهترین شریک اقتصادی، تجاری و سیاسی برای فدراسیون روسیه خواهد بود (هدفیلد، ۲۰۰۸: ۲۳۰ و ۲۳۵).

هرچند گسترش شرقی اتحادیه اروپا چالش‌ها و نگرانی‌هایی را به طور هم‌زمان برای روسیه به همراه آورده است که پیوند و ارتباط همه جانبه این کشور با اتحادیه اروپایی را محدود می‌نماید. از طرفی

اتحادیه اروپایی را به عنوان یک شریک مناسب و جایگزین تعریف نموده است.

### مفروض پژوهش حاضر عبارت از اینکه

- با فروپاشی شوروی سابق و شکل گیری فدراسیون روسیه، شاکله هویتی و منافع این کشور دستخوش دگردیسی گردیده است.

- روسیه و اروپا دارای لایه‌های همپوشان و متعارضی از منافع هستند که الگوی روابط این دو بازیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

### چارچوب نظری:

چارچوب نظری بکارگرفته شده برای پردازش فرضیه پژوهش نظریه نهادگرایی نولیبرال (neo liberal Institutionalism) است. رویکرد لیبرالی به سیاست بین‌الملل بر رفتار هم‌کاری‌جویانه بازی‌گران در دستیابی به اهداف اقتصادی و نقش نهادها به عنوان الگوی غالب هم‌کاری تأکید می‌کند. لیبرال‌ها معتقدند که دولت‌ها، از نهادها (Institution) به عنوان موثرترین راه‌کار تعقیب منافع در اقتصاد سیاسی جهانی استقبال می‌کنند (جویس، ۱۹۹۹: ۵۳). از منظر نهادگرایان دولت‌ها اگرچه عقلانی و نفع‌محور هستند، اما با توجه به این‌که منافع مطلق (عدم حساسیت نسبت به دستاوردهای دیگران) و نه منافع نسبی (حساسیت نسبت به دیگران)، برای آن‌ها مهم است، همواره راه‌برد هم‌کاری را در حوزه‌های موضوعی مختلف بر رقابت و فردمحوری ترجیح می‌دهند.

لیبرالیسم نهادگرا جهانی شدن را جهانی شدن سرمایه، تکنولوژی، تولید و شکل‌گیری بازار جهانی،

عضویت کشورهای بالتیک و دولت‌های تازه استقلال یافته اروپای شرقی در اتحادیه مذکور، دکترین امنیتی روسیه را منفعل می‌سازد (حجازی، ۱۳۸۳) این در حالی است که روسیه به این سازمان به عنوان یک شریک و بزرگترین سرمایه‌گذار خارجی نیازمند است. اتحادیه اروپایی نیز، به روسیه به عنوان دارنده بیشترین منابع انرژی محتاج است. مدعای پژوهش حاضر این است که به‌رغم چالش‌های موجود، نیروهی هم‌گرا و وضعیت وابستگی متقابل، گرایش غالب و حاکم بر روابط روسیه و اتحادیه اروپایی است (لو، ۲۰۰۳: ۵۶ و ۵۷). تحقیق حاضر بر آن است که ابعاد مختلف الگوی وابستگی متقابل حاکم بر روابط دو بازیگر را بررسی نموده و چالش‌های پیش روی روسیه و اتحادیه اروپایی را در این زمینه مورد واکاوی قرار دهد. پرسشی که پژوهش حاضر را راهبری می‌کند این است که با توجه به روند همگرایی اروپایی و شروع گسترش اتحادیه اروپایی به شرق، جهت‌گیری سیاست خارجی فدراسیون روسیه در قبال این روند چگونه بوده است؟

فرضیه اصلی پژوهش این است که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روسیه با اتخاذ رویکرد اقتصاد سیاسی در سیاست خارجی خود گرایش به سمت اتحادیه اروپایی را در پیش گرفته است. در راستای این رویکرد، به خصوص پس از گسترش اتحادیه به شرق، چالش‌های متعددی برای هر دو طرف ایجاد می‌گردد. ولی وابستگی متقابل میان روسیه و اتحادیه اروپا، این چالش‌ها را تحت الشعاع قرار داده است. نهایتاً روسیه برای تضعیف نقش مسلط ایالات متحده آمریکا و الزامات اقتصاد سیاسی خود،

به نظر می‌رسد تعامل با اتحادیه اروپا برای روسیه علیرغم برخی نگرانی‌های تعیین کننده است.

### تعامل اقتصاد سیاسی و سیاست خارجی روسیه

روسیه از معدود بازیگران بین‌المللی است که پس از گذشت بیش از یک دهه از حیات مستقل خود از عناصر چالش برانگیز و مناقشه آفرین بیرونی و درونی متاثر گردیده است. در این راستا بازتعریف هویت ملی بر اساس الزامات اقتصاد سیاسی به عنوان نقطه ثقل همه این مشکلات، ساحت سیاسی و اجتماعی روسیه را تحت الشعاع قرار داده است. همبستگی میان بازسازی فرم‌اسیون اقتصاد سیاسی داخلی برای حل مشکلات درونی از یک سو، و تبدیل شدن به کنشگری فعال در عرصه بین‌المللی از دیگر سو، مؤلفه اصلی پیوند دهنده ساختار اقتصاد سیاسی داخلی و سیاست خارجی این کشور پس از رهایی از تسلط ایدئولوژی مارکسیسم بوده است (دانش‌نیا، ۱۵۸، ۱۳۹۱-۱۵۵) پس از تشکیل فدراسیون روسیه، سیاست خارجی به عنوان ابزاری در راستای بازسازی موقعیت این کشور از یک "ابرقدرت توسعه نیافته" به بازیگری تعیین کننده در معادلات منطقه‌ای و جهانی تبدیل گردد. سیاست خارجی شاهراه اتصال یک دولت به فضای بین‌المللی است. در مجموع سیاست خارجی به عنوان ابزاری در جهت تعریف و تبیین اهداف دولت روسیه به کار می‌رود. این همان روندی است که روسیه، در راستای الزامات نوین هویتی خویش در پیش می‌گیرد (کاسیانووا، ۲۰۰۷: ۸۲۱).

فدراسیون روسیه همواره با این چالش روبرو بوده که چگونه می‌تواند پیچیدگی و تعارضات درونی خود را با روندها و ساختارهای بین‌المللی سازگار کند و

تشدید فرآیند وابستگی متقابل و در هم تنیدگی منافع بازیگران تلقی می‌کند. این مهم از نظر لیبرال‌ها ضرورت در پیش گرفتن سیاست‌های مشترک و اتخاذ رویکرد هم‌کاری جویانه و رفتار سازمانی (organizational behavior) به‌عنوان ابزار مؤثر حل مسائل، تبادل اطلاعات و تکنولوژی، جذب سرمایه و ... را برای دولت‌ها اجتناب‌ناپذیر ساخته است. از این منظر یک الگوی هم‌کاری می‌تواند برحسب دامنه (scope) (تعداد حوزه‌هایی که در بر می‌گیرد)، عمق (Depth) (میزان هم‌گرایی و هم‌پوشانی سیاست‌های بازیگران)، نهادینه شدن (Institutionalization) (ابعاد نهادسازی رسمی یا غیررسمی) و تمرکز (Centralization) (درجه کارایی و اقتدار مرکزی نهاد)، از دیگر الگوهای هم‌کاری متمایز باشد (فاوست و هارل، ۱۹۹۵: ۵).

در تحلیل اقتصاد سیاسی از بازصورت‌بندی هویتی یک کشور باید به تعامل و تقابل میان نیروهای اجتماعی اصلی شکل دهنده به فرم‌اسیون اقتصادی - اجتماعی آن کشور توجه نمود. واقعیت آن است که در روسیه نیز بر اساس گرایش‌های ایدئولوژیک، اقتصادی و نهادی متعارض، مکاتب فکری مختلفی در جهت‌گیری سیاسی و شکل‌گیری سیاست خارجی این کشور دخیل هستند. این تعامل به عنوان یک اصل زیر بنایی برای بروز خودآگاهی مطرح می‌شود. سیاست خارجی روسیه بازتاب جستجو برای هویتی نوین، تلاش به سوی آشتی دادن منافع ملی، تاریخی این کشور با جوهره نوین در حال ظهور سیاسی و اجتماعی این کشور به عنوان بازیگری اصلی در مناسبات قدرت و ثروت جهانی است. در این منظومه

جواب به این سؤال که آیا روسیه به اروپا تعلق دارد یا خیر؟ می نویسد: "خوشبختانه یا بدبختانه روسیه به اروپا تعلق نداشته و نخواهد داشت. روسیه در جستجوی پیوستن به خانواده ملت‌های اروپایی نیست. اروپا همواره خصومت و دشمنی خود را چه پنهان و چه آشکارا نسبت به روسیه ابراز نموده است. وی معتقد است هویت متحد اروپایی تنها از طریق تقابل با هویت اسلاوی یکدست به خطر خواهد افتاد (الیاسی، ۱۸۷۱: ۲۴). ایدئولوژی کمونیستی موجود در زمان اتحاد جماهیر شوروی، پروسه اروپایی شدن را با تفکر کازموپولیتانیزم و یا جهان شمولی و سیطره طبقه بورژوا مساوی می دانست. به همین علت در برابر چنین پدیده ای به شدت واکنش نشان می دهد (الیاسی، ۱۸۷۱: ۳۴).

روی کار آمدن رهبر جدید اتحاد جماهیر شوروی، میخائیل گورباچف در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ با طرح عقیده جدیدی با عنوان «خانه مشترک اروپایی» به همراهی اتحاد جماهیر شوروی، مرحله نوینی را در تکامل روند اروپایی شدن روسیه بنا نهاد (لاکیانوو، ۲۰۰۳: ۲۵ و ۲۶). پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روند همگرایی اروپایی با گسترش اتحادیه اروپایی به شرق نمود بیشتری یافت. در این راستا، روسیه با یک استراتژی واضح و پایدار با عنوان "خوش بینی محتاطانه" دورنمای روابط خود با اروپا را مدنظر قرار داده است. این کشور سعی می کند تا با تعامل در زمینه های اقتصادی، آموزشی، فرهنگی و سیاسی، تحولاتی را در ساختار روابط خود با اروپا ایجاد کند (لاکیانوو، ۲۰۰۳: ۲۵ و ۲۶).

نتیجه این که دوران اوراسیایی برای روسیه به پایان رسیده است. اکنون این کشور برای پایه گذاری آینده ای ثمربخش با بقیه اروپا وارد تعامل پایدار و سازنده

نهایتاً آن را در در چارچوب سیاست خارجی به منصفه ظهور برساند. سیاست خارجی فدراسیون روسیه، همانند بیشتر روابط بین المللی، پروسه ای مداوم و پویا است که تفسیر و بحث درباره آن هرگز به پایان نخواهد رسید. با آغاز سال ۱۹۹۱، وضعیت ژئوپلیتیکی نوینی در صحنه بین المللی ایجاد شد. چنین تحولی سبب گردید تا روسیه به دنبال تفسیر جایگاه و نقش خود در امور جهانی باشد. عقیده محوری سیاست خارجی روسیه در دو دهه اخیر این بوده که با گسترش جهانی شدن، مرز میان اهداف سیاست خارجی و ترجیح های ملی - میهنی روسیه کم رنگ گردد. به این معنی که مکانیزم سیاست خارجی، باید نهایتاً سبب بهبود تحولات اجتماعی و اقتصادی روسیه شود (ایوانوو، ۲۰۰۲: ۱۶۱).

### رویکرد فدراسیون روسیه به روند وحدت اروپایی

در مورد فرضیه وحدت اروپایی، روسیه بی تردید نقش کلیدی را بر عهده دارد. هم از نظر انتزاعی و هم از نظر عینی، پروسه وحدت اروپایی بدون مشارکت و نقش روسیه، غیر قابل تصور است. عکس العمل کرملین نسبت به اولین گام های شروع پروسه همگرایی اروپایی پس از جنگ جهانی دوم منفی و منفعل بود. در پایان دهه ۱۹۵۰، جامعه کمونیستی روسیه طرح های مربوط به همگرایی را مورد انتقاد قرار داده و پیوستن اتحاد جماهیر شوروی را به طرح های ابداعی اروپایی مردود اعلام کرد (لوکیانوو، ۲۰۰۳: ۲۳).

اغلب متفکران و اندیشمندان غربی در زمینه اطلاق پسوند «اروپایی» به روسیه اکراه می ورزیدند. فیلسوف بزرگ روسی به نام «نیکولای دانیلوسکی» در کتاب معروفش به نام «روسیه و اروپا» در سال ۱۸۷۱ در

بنابراین امروزه روابط میان اتحادیه اروپایی پیچیده‌تر و عمیق‌تر از قبل شده است. لذا توجه و تدبیر گسترده‌تر نیاز است تا به مدیریت بهینه شرایط و دستیابی به نتایج مورد نظر نایل گردند. با این حال زمینه اصلی که تعیین کننده فضای همکاری و مکانیزم‌های سیاسی و اقتصادی است، همچنان توسط (PCA) تنظیم و معرفی می‌شود. در ارتباط با سیاست شمول کشورهای جدید، اتحادیه اروپایی در چارچوب موافقتنامه مشارکت و همکاری اتحادیه اروپایی و فدراسیون روسیه در ۲۷ آوریل ۲۰۰۴ پروتکلی را به امضا رسانید که تمام قوانین (PCA) را نسبت به دولت‌های جدید اتحادیه اروپایی تعمیم می‌داد (ناتالیا، ۲۰۰۴: ۱۰)

#### مزایای همکاری اقتصادی و تجاری میان روسیه - اتحادیه اروپایی

نقطه مرکزی روابط روسیه - اتحادیه اروپایی حول محور مسائل اقتصادی - تجاری شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر جوهره اصلی این روابط بر اساس امور اقتصادی - تجاری، استوار است. اتحادیه اروپایی بزرگترین شریک تجاری روسیه به حساب می‌آید. حدود ۲۵ درصد واردات روسیه و ۳۵ درصد مبادلات این کشور با اتحادیه اروپایی است (اتحادیه اروپایی و روسی، ۲۰۰۵: ۵)

روسیه در مورد تجارت محصولات کشاورزی با دولت‌های جدید اتحادیه اروپایی، سهم بسیار ناچیزی دارد. چنانکه سهم واردات محصولات کشاورزی روسیه از این کشورها کمتر از ۸ درصد و سهم صادرات محصولات کشاورزی به این کشورها حدود ۴ درصد است. این در حالی است که سهم صادرات

با این نهاد شده است. به نظر می‌رسد موج عظیم یکپارچگی و همگرایی در قاره اروپا، پروسه‌ای غیر قابل اجتناب است که برای جلوگیری از تقویت و بازگشت خاطره تلخ خفقان هفتاد ساله سوسیالیسم در این قاره، توسط تمام کشورهای اروپایی پیگیری می‌شود. روسیه و اتحادیه اروپایی هر دو دارای منافع و خط‌مشی‌های مشترکی هستند که می‌تواند با تعامل متقابل به یک اتحاد بدون تنش و سازنده دست یابند.

#### موافقتنامه همکاری و مشارکت میان روسیه و اتحادیه اروپایی

زیربنای قانونی روابط میان روسیه و اتحادیه اروپایی، موافقتنامه همکاری و مشارکت ۱۹۹۷ است. اتحادیه اروپایی رهیافت‌های اساسی این موافقتنامه را در جهت تبیین روابط با روسیه و استراتژی مشترک ۱۹۹۹ طرح‌ریزی نموده است. مساعدت‌های فنی برای دستیابی به اهداف مورد توافق از جمله موافقتنامه‌های خاص تجاری، علمی و تکنولوژیکی از نتایج موافقتنامه همکاری و مشارکت میان روسیه و اتحادیه اروپایی است. (PCA) چارچوب ساختاری را برای روابط دوجانبه میان روسیه - اتحادیه اروپایی فراهم می‌سازد و با طبقه بندی اهداف اساسی مشترک و فضاهای مستعد همکاری مانند گفتگوهای سیاسی، همکاری‌های علمی - تجاری، کمک‌های تکنولوژیکی، روابط روسیه - اتحادیه اروپایی را منظم می‌نماید (وادلر، ۲۰۰۵: ۱ و ۲). موافقتنامه همکاری و مشارکت سبب بروز تغییرات مهمی در مواضع روسیه و اتحادیه نسبت به هم گردیده است. بدیهی است که این تغییرات به گسترش شبکه ارتباطی متقابل میان آنها منجر شده است (بروکو، ۲۰۰۵: ۱ و ۶).

ورود به صنایع فولاد سازی از میزان کمی محصولات فولاد بهره برده و از تولید این محصولات در کشورهای مثل لیتوانی و لتونی منتفع گردد. این ظرفیتها توان تولید و تحویل به موقع محصولات فولاد به بازارهای اقتصادی اروپایی را از جانب روسیه دوچندان می نماید (اتحادیه اروپایی و روسی، ۲۰۰۵: ۷ و ۸).

گسترش شرقی اتحادیه اروپایی باعث می گردد تا چرخه سنتی تجاری فدراسیون روسیه وارد بازارهای اقتصادی اتحادیه اروپایی شود. از سوی دیگر محدودیت های کیفی مشخص در مورد واردات کالاها روسیه کمتر شده و یا حذف می شوند. خلق فرصت های بیشتر تجاری و سرمایه گذاری و تولید منابع انرژی برای تمام دولت های اتحادیه از طرف روسیه بدون هیچ تعرفه گمرکی از دیگر مزایایی است که نصیب روسیه گردیده است.

اجلاس سران اتحادیه اروپایی - روسیه که در ماه می ۲۰۰۱ برگزار گردید تصمیماتی را در مورد اشاعه ایده روابط اقتصادی میان اتحادیه اروپایی و روسیه به شکل فضای مشترک اقتصاد اروپایی اتخاذ نمود. این طرح با هدف فضای همکاری تنگاتنگ میان دو طرف و با تأکید بر همگرایی منظم میان آنها شکل گرفته است. پس از گسترش شرقی اتحادیه اروپایی، فضای مشترک اقتصادی، مهمترین وسیله در راستای تسهیل امور اقتصادی و تجاری و ایجاد ارتباط بهینه میان روسیه و اتحادیه اروپایی است (یوری، ۲۰۰۵). توسعه تجاری و سرمایه گذاری متقابل روسیه - اتحادیه اروپایی معطوف به راهکارهای متنوعی است. از آن جمله می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- فراهم کردن شرایط متناسب برای دستیابی کالاها و خدمات روسیه به بازارهای اقتصادی اتحادیه

محصولات کشاورزی روسیه به اعضای قدیمی اتحادیه اروپایی حدود ۴۰ درصد است. با این اوصاف اتحادیه اروپایی اذعان می دارد که گسترش شرقی اتحادیه، اثرات منفی برای اقتصاد روسیه به دنبال نخواهد داشت. چرا که اولاً تعرفه های کشاورزی تنها در بعضی از کشورهای جدید ورود اعمال می گردد و ثانیاً، متوسط تعرفه برای محصولات کشاورزی، به طور کلی کاهش خواهد یافت. اتحادیه اروپایی از همکاری با روسیه در زمینه اقتصادی اهداف ذیل را دنبال می نماید:

- اعمال طیف گسترده تری از برنامه های تکنیکی و دیگر مساعدت های ساختاری اتحادیه اروپایی در قبال روسیه و هدایت منافع و تشکیلات لازم برای تشکیل دوباره سیستم بانکی روسیه و جذب سرمایه گذاری خارجی در این کشور.

- ایجاد ترتیبات جهت عدم باز پرداخت قرض های مالی روسیه به دولت های عضو اتحادیه اروپایی و ایجاد روندی از بازپرداخت قروض برای شرکتهای روسی که بتواند نرخ بهره و اصل قرض خود را به واحد پولی مشترک اروپایی (یورو) پرداخت نمایند.

- فراهم آوردن شرایطی برای استفاده از یورو در فعالیت های اقتصادی خارجی فدراسیون روسیه و همچنین شمول گردش واحد پولی مشترک اروپایی در سیستم اقتصادی داخلی روسیه.

برای گسترش مناسبات تجاری میان روسیه و دولت های جدید اتحادیه اروپایی، موافقتنامه ای مختص به روند تجاری در مورد محصولات فولاد برای تقویت صادرات روسیه به اعضای جدید اتحادیه اروپایی به امضا رسیده است. با این سیاست گذاری، اتحادیه اروپایی به سرمایه گذاران روسی اجازه می دهد تا با

- در نظر گرفتن ارتباط متقابل تجاری و ایجاد زمینه‌های رقابتی میان روسیه و اتحادیه اروپایی و ایجاد تعامل پایدار و فعال اقتصادی با فدراسیون روسیه (اجلاس مشترک روس، ۲۰۰۱: ۴).

اروپایی، رفع تبعیض و به رسمیت شناختن وضعیت بازارهای اقتصادی روسیه  
- بررسی شرایط مختلف برای توسعه روابط تجاری، اقتصادی و افزایش جریان سرمایه گذاری در فدراسیون روسیه.

عمده ترین شرکای تجاری روسیه و اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۷

روسیه		اتحادیه اروپا		اتحادیه اروپا		روسیه	
صادرات		واردات		صادرات		واردات	
۵۳.۰	اتحادیه اروپا	۵۲.۰	اتحادیه اروپا	۲۱.۱	ایالات متحده	۱.۲	چین
۶.۱	ترکیه	۱۲.۵	چین	۷.۵	سوئیس	۱۲.۷	ایالات متحده
۵.۰	چین	۵.۰	اوکراین	۷.۲	روسیه	۱۰.۱	روسیه
۴.۰	اوکراین	۴.۰	ژاپن	۵.۸	چین	۵.۸	ژاپن
۴.۴	بلاروس	۳.۹	بلاروس	۴.۲	ترکیه	۵.۶	سوئیس

Sources: IMF Eurostat an ECB Calculations

ویژه در خصوص گسترش ناتو به اروپای شرقی وجود دارد. زیرا از نظر روسیه، ناتو یک بار ایدئولوژیک مبتنی بر ارزش‌ها، استراتژی و اهداف آمریکایی دارد که به طور اساسی می‌تواند خطرناک‌تر از اتحادیه اروپا باشد. بنابراین مسکو درصدد تحکیم روابط خود با اتحادیه اروپا برای جلوگیری از هرگونه شکاف بین مرزهای غربی روسیه و مرزهای شرقی اروپا است (شیر غلامی، ۱۳۸۴: ۳).

#### زمینه‌های مبادله انرژی میان روسیه و اتحادیه اروپا

روسیه در غلبه بر بحران‌های اقتصادی و تجاری دوران گذار و تقویت سیستم توازن تجاری خود موفقیت‌های بسیاری کسب نموده است. این کشور در ایجاد توازن میان محصولات مهم، انرژی و بهره برداری از منابع انرژی نیز موفق بوده است. همگرایی در فضای مشترک اقتصادی اروپا از حیث ظرفیت

البته بدیهی است که گسترش اتحادیه اروپایی همان گونه که در بر دارنده مزایا و فواید اقتصادی برای روسیه است، عواقب منفی بر سیستم اقتصادی این کشور نیز، برجای می‌گذارد. یکی از چالش‌های اقتصادی فراوری روسیه، مسأله عدم توانایی رقابت محصولات تجاری روسیه با محصولات بازار اقتصادی اتحادیه اروپایی است. همچنین به علت عدم تطابق زیرساخت‌های اقتصادی روسیه با فرم‌های موجود در سیاست‌گذاری اتحادیه اروپایی روند همکاری‌های اقتصادی میان آنها کندتر و با مشکلات متعدد روبرو می‌شود (اتحادیه اروپایی و روسی، ۲۰۰۵).

علاوه بر این نگرانی دیگر روسیه این است که گسترش اتحادیه اروپا به شرق می‌تواند باعث جدا شدن روسیه از روند همگرایی اروپا شود. همانگونه که در زمینه‌هایی نظیر رژیم شنگن و یا محدودیت‌های تجارت خارجی مشاهده شده است. این نگرانی به



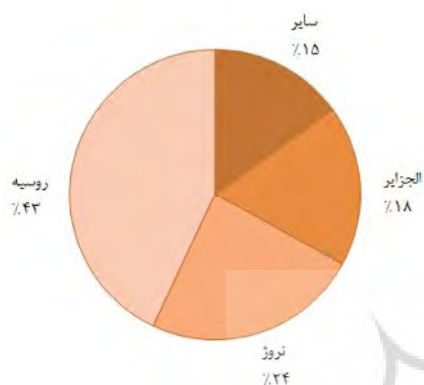
روسیه در جهت حصول اهداف استراتژیک و ارتقای سطح امنیت انرژی در قاره اروپا (برانوسکی، ۱۹۹۵: ۵).

اتحادیه اروپایی اهمیت اساسی در بخش انرژی با روسیه قائل بوده و ظرفیت‌های روبه‌رشدی را در بخش انرژی پیش‌بینی می‌کند. اتحادیه اروپایی اذعان دارد که هیچ‌گونه محدودیتی برای واردات سوخت‌های فسیلی و الکتریسیته از روسیه اعمال نخواهد کرد. اتحادیه اروپایی بر اهمیت قراردادهای دوجانبه بخش انرژی با روسیه تأکید ورزیده و آنها را تضمینی برای تأمین پایدار و قابل قبول گاز طبیعی از سوی روسیه به حساب می‌آورد (جوین استیمنت، ۲۰۰۴: ۳). این اتحادیه علاوه بر عدم قرار دادن هر گونه محدودیتی بر واردات سوخت‌های فسیلی از روسیه، قصد دارد با برداشتن چارچوب‌های قانونی و آزاد کردن بازارهای انرژی اروپا برای صادرات گاز روسیه، ظرفیتهای جدیدی را برای صادرات روسیه به اروپا فراهم آورد. روسیه و اتحادیه اروپایی قصد دارند تا از طریق همکاری‌های بلندمدت استراتژیکی در حیطه انرژی پایایی و ماندگاری تأمین انرژی را در طولانی مدت افزایش دهند (اتحادیه اروپایی و روسی، ۲۰۰۵: ۷). روابط روسیه و اروپا در بخش انرژی مجموعه‌ای از نیروها و فرایندهای متقابل و تأثیرگذار بر یکدیگر هستند. برخی از آنها به صورت ابتدایی ژئوپلیتیکی بوده و برخی دیگر اقتصادی هستند. تعداد دیگری از این فرایندها نیز، پاسخی به مؤلفه‌های مشخص انرژی است. روسیه تنها از طریق گسترش بهره‌برداری از منابع انرژی می‌تواند به توسعه همکاری‌های گسترده انرژی محور با اتحادیه اروپایی دست یابد (جانسون، ۲۰۰۳). رهبران اتحادیه اروپا از دیر باز سعی داشته‌اند روسیه را قانع کنند که منشور

تولید و صادرات انرژی، امکان تسریع روند توسعه و مدرنیزه شدن اقتصادی بیشتر را در آینده ای نه چندان دور در اختیار روسیه قرار خواهد داد. سابقه شکل‌گیری روابط تجاری روسیه و اروپا در دهه ۱۹۹۰ به وجود آمده است. دو دسته از کالاها در سیستم صادرات روسیه نقش مهمی دارا هستند. یکی منابع انرژی و دیگر محصولات مهم انرژی مثل فلزها و مواد شیمیایی، از سوی دیگر واردات روسیه از اروپا شامل کالاهای مصرفی، محصولات وابسته به انرژی، ارائه خدمات مسافرتی و همچنین نقل و انتقال سرمایه است. به همین دلیل همکاری در زمینه انرژی برای تقویت وابستگی متقابل سازنده میان روسیه- اتحادیه اروپایی مهم جلوه می‌کند (لاکیانوف، ۲۰۰۳: ۷۵ و ۷۵). مذاکرات مباحث انرژی میان روسیه- اتحادیه اروپایی فرایندی چند جانبه و مداوم است. که پس از گسترش شرقی اتحادیه اروپا وسیع‌تر شده است. اتحادیه اروپایی عقیده دارد که پویایی و دنباله روی از رهیافت‌های عملی در حیطه مباحث انرژی کارگشا است. دیالوگهای بخش انرژی روسیه- اتحادیه اروپایی شامل موارد مختلفی است:

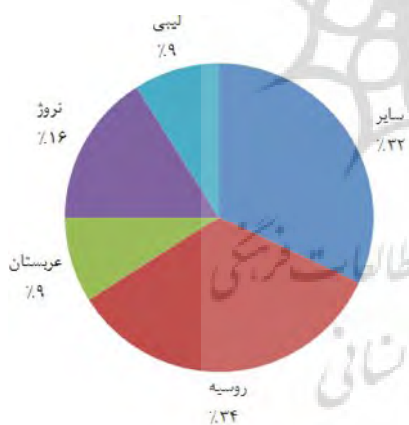
- ۱- فراهم آوردن مقدمات تأسیس مرکز انرژی روسیه- اتحادیه اروپایی در مسکو یا سن پترزبورگ
- ۲- بررسی مداوم سیاست‌های بلندمدت انرژی روسیه- اتحادیه اروپایی و استانداردهای مرتبط انرژی
- ۳- ارزیابی پروژه‌های ذخیره سازی آزمایشی در مناطق آرخانگلسک و آستراخان به عنوان زمینه‌ای برای راه اندازی دیگر پایگاه‌های منطقه‌ای، بخصوص در منطقه کالینگراد.
- ۴- تسهیل روند سرمایه گذاری در بخش انرژی

مهم‌ترین تأمین‌کننده نفت و گاز اروپا محسوب می‌شود. بر اساس پیش‌بینی‌ها تولید روزانه نفت روسیه تا ۲۰۱۵ به ۱۱ تا ۱۴ میلیون بشکه می‌رسد و اروپا نیز، در ۲۰۳۰ بیش از ۷۰٪ از گاز خود را از روسیه تأمین خواهد نمود.



شکل ۱: سهم واردات گاز اروپا از کشورهای مختلف در

۲۰۱۰



شکل ۲: سهم واردات نفت اروپا از کشورهای مختلف در

۲۰۱۰

منبع: (بولتن ماهانه تحولات بازار نفت و گاز، اسفند ۱۳۹۰) بعد از وقوع بحران گاز بین روسیه و اوکراین در اوایل سال ۲۰۰۶، دولت‌های اروپایی به تدریج به این نتیجه رسیدند که سیاست انرژی کرملین می‌تواند در درازمدت برای استقلال اروپا به ویژه کشورهای اروپای مرکزی و شرقی خطرناک باشد و زمینه نفوذ

انرژی را که در سال ۱۹۹۱ امضا کرده، تصویب کند، اما هرگز موفق به انجام این کار نشده‌اند. پوتین بعد از اجلاس مشترک نوامبر با رهبران اروپا اظهار داشت که در صورت اصلاح برخی از مفاد این منشور، ممکن است این کشور آن را در آینده امضا کند (تریبون بین‌المللی هرالده، ۲۰۰۶).

عامل اساسی در ایجاد و توسعه همکاری‌های دوجانبه انرژی میان روسیه-اتحادیه اروپایی، خلق چارچوب قانونی شفاف و مقتضی است تا از تعهدات قانونی حمایت نموده و به گسترش هماهنگی‌ها بپردازد. اتحادیه اروپایی یکی از بزرگترین واردکنندگان نفت و گاز و ذغال‌سنگ در جهان است. بخصوص این اتحادیه نقش بسیار مهمی را در بازار بین‌المللی انرژی دارا است. همواره جوانب ژئوپلیتیکی سیاست‌های انرژی اتحادیه اروپایی تحت صلاحیت دولت‌های عضو و به عنوان موضوعی از حاکمیت ملی آنهاست، اما هنگامی که روابط انرژی آنها بایک دولت خارج از اتحادیه به میان می‌آید، حاکمیتی گسترده‌تر به سیاست‌های کلان می‌پردازد (لاکیانو، ۲۰۰۳: ۷۹).

اساساً یکی از دغدغه‌های مهم برای اتحادیه اروپا، وابستگی آن در بخش انرژی است. بسیاری از پیش‌بینی‌ها حاکی است که از سال ۲۰۳۰ به بعد، این اتحادیه مجبور به واردات بیش از ۷۰ درصد انرژی خود خواهد بود و این به منزله آسیب‌پذیری آن در رقابت‌های جهانی است و رویای رهبران اروپا را در تبدیل شدن به یکی از بلوک‌های مهم تأثیرگذار در جهان چند قطبی با تردید روبرو خواهد ساخت. نگاهی به ترکیب بازیگران مهم بازار انرژی اروپا نقش تعیین‌کننده روسیه در امنیت انرژی اروپا نشان می‌دهد. در حال حاضر این کشور مطابق شکل ۱ و ۲

اروپایی در خصوص موضوعاتی نظیر ثبات بازارهای انرژی، پایایی و رشد میزان صادرات و واردات، نیاز به مدرنیزه شدن بخش انرژی روسیه، ذخیره سازی انرژی و کاهش ایجاد گازهای گلخانه ای از طریق تولید و استفاده منابع انرژی نگرانی‌های مشترکی دارند. با گسترش بازار انرژی در اتحادیه اروپایی، ضرورت تداوم دیالوگ انرژی میان روسیه و اتحادیه اروپایی، نه صرفاً در پرتو گسترش و تعمیق همکاری‌های بخش انرژی، بلکه برای دستیابی به فضای اقتصادی مشترک متقابل آشکار می‌گردد (اتحادیه انرژی روس و اروپا، ۲۰۰۳: ۳).

#### رویکرد اقتصاد سیاسی روسیه به انرژی به مثابه ابزار کارآمد سیاست خارجی

روسیه به ویژه از دور دوم ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین تلاش نموده تا با استفاده از اهرم‌های مختلف، از جمله اهرم انرژی، ضمن بازسازی زیر ساخت‌های اقتصادی، موقعیت این کشور را به عنوان یک قدرت بزرگ در سیاستگذاری بین المللی تقویت نماید. در واقع انرژی متغیر اصلی تعیین کننده تغییر موقعیت روسیه از یک ابرقدرت کوتوله و توسعه نیافته به بازیگری هژمون دست کم در حوزه سیاستگذاری جهانی انرژی است. براساس گزارش بانک جهانی در سال‌های اخیر حدود ۷۵٪ از ارزش ناخالص داخلی و تجارت خارجی روسیه از محل فروش نفت و گاز بوده و پرداخت اغلب بدهی‌های این کشور نیز، از همین محل تأمین می‌گردد. پوتین با سیاست‌های مقتدرانه خود، کنترل دولت را بر شرکت‌های دولتی و خصوصی نفت و گاز تشدید نموده و عملاً دولت را به تعیین کننده سیاست اقتصادی آنها تبدیل کرده است. هدف روسیه از تبدیل انرژی به ابزار سیاست

کرمین را در این مناطق در پی داشته باشد (دانش‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۵۹). لذا هدف رهبران اروپا دستیابی به یک قرارداد الزام آور با روسیه جهت عرضه با ثبات انرژی و فراهم کردن زمینه دستیابی شرکت‌های اروپایی به بازار انرژی و مسیرهای انتقال آن است. دیالوگ انرژی روسیه- اتحادیه اروپایی با هدف بهره برداری متقابل از فرآیند همکاری در زمینه انرژی در اکتبر ۲۰۰۰ آغاز گردید. طبق سیاست گذاری‌های اتحادیه اروپایی، این دیالوگ معطوف به دستیابی مطمئن اتحادیه اروپایی به منابع عظیم نفت و گاز در روسیه است. دیالوگ انرژی روسیه-اتحادیه اروپایی بر دو فرض استوار است. ۱- ایجاد امنیت برای اتحادیه اروپایی در دستیابی به منابع انرژی ۲- برقراری امنیت بیشتر برای جذب سرمایه گذاری خارجی و دستیابی به بازارهای جهانی و اروپایی برای روسیه. در نتیجه این دیالوگ، وابستگی متقابل دو طرف افزایش می‌یابد. یکی از موضوعات اصلی مذاکرات این بود که آیا اتحادیه اروپایی از پیشنهاد روسیه مبنی بر پیوستن به سازمان تجارت جهانی حمایت می‌نماید. مسائل دیگر از قبیل بالا بردن ظرفیت رقابتی انرژی روسیه، ارتقاء سطح سرمایه گذاری و همکاری در مورد تغییرات آب و هوا در چارچوب پیمان کیوتو، مورد بحث قرار گرفت. در حال حاضر پیشرفت مذاکرات انرژی روسیه و اتحادیه اروپایی به پیشرفت در زمینه‌های اقتصادی، حقوقی، امنیتی و تحقیقاتی بستگی دارد (ژئوپلیتیک اروپا، ۲۰۰۵: ۴). از نظر اتحادیه اروپایی، قرارداد منشور انرژی، یک چارچوب مهم و سیاسی برای همکاری‌های بخش انرژی میان روسیه- اتحادیه اروپایی است. به همین خاطر اتحادیه اروپایی خواهان آن است تا مشکلات و موانع فراروی تصویب این قرارداد، هر چه سریع‌تر برطرف شود. روسیه و اتحادیه

دوم ریاست جمهوری پوتین امید، برای توسعه همکاری‌ها زیاد شده بود، اما دستگیری خودروفسکی، رئیس شرکت یوکوس و مصادره این شرکت که با چند شرکت غربی همکاری می‌کرد به حضور شرکت‌های غربی در روسیه خاتمه داد. توماس فریدمن نویسنده تایمز معتقد است که اختلافات روسیه و اروپا بر سر مسائل انرژی، شروع جنگ سرد جدیدی است که اروپا را یکبار دیگر پس از فروپاشی دیوار برلین، تقسیم کرده است. وی به نقل از حوزه جوف نویسنده کتاب «ابرقدرت: وسوسه‌های امپراتور وار آمریکا» می‌نویسد که تأثیر روسیه بر اروپای غربی به واسطه خطوط گاز، بسیار بیشتر از تأثیری است که موشک‌های دوربرد این کشور دارد (کردلاک و همکاران، ۲۰۰۵). اساساً بعد از فروپاشی شوروی، غرب تلاش کرده است با گسترش ناتو، کرملین را تحت فشار قرار دهد. اما اکنون روسیه سعی می‌کند با استفاده از اهرم انرژی و ایجاد کارت‌های گازی و در واقع تشکیل ناتوی انرژی، غرب را از حوزه ژئوپلیتیک این کشور به تدریج به عقب براند.

#### مرزهای جدید اتحادیه اروپایی (اعمال سیاست حسن همجواری)

اتحادیه اروپایی پس از گسترش شرقی خود پذیرای کشورهای جدیدی شده است که باید برای ساماندهی هر چه بهتر ساختارهای اتحادیه، طرحی کارآمد را خلق نماید. جهت‌گیری جدید اتحادیه اروپا پس از پیوستن کشورهای اروپای شرقی سیاست "حسن همجواری" است. هدف از احیای چنین رویکردی، توسعه اروپای متحد است. پیش‌بینی‌ها برای چنین اقدامی از ماه‌ها قبل از گسترش در اتحادیه

خارجی و امنیتی، در کوتاه مدت احیای نفوذ این کشور بر جمهوری‌های شوروی سابق و کشورهای اروپای شرقی و مرکزی و معکوس کردن روند حرکت آنها در همگرایی بیشتر با ساختارهای غربی و ناتو و درازمدت تضعیف نفوذ آمریکا در قاره اروپاست. راهبر کرملین برای کنترل منابع انرژی و خطوط انتقال آن در اوراسیا و تبدیل این کشور به منبع انحصاری تأمین انرژی اروپا و کنترل نبض تپنده اقتصاد غرب، می‌تواند وزنه تعادلی در برابر اتحادیه اروپا و ناتو باشد. این سیاست می‌تواند بر امنیت اروپا در دراز مدت تأثیرگذار باشد. از طرف دیگر اقدام روسیه در قطع انتقال گاز به اوکراین در اوایل سال ۲۰۰۶ میلادی به عنوان ابزاری سیاسی و در راستای اهداف ژئوپلیتیک زنگ هشدار برای اروپا بود که حدود ۸۰ درصد گاز صادراتی روسیه به اروپا از مسیر این کشور می‌گذرد. جنگ انرژی بین روسیه و بلاروس در روزهای آغازین سال ۲۰۰۷ میلادی، بر سر بهای گاز صادراتی، نمود جدیدی از اهرم فشار روسیه برای کنترل بر مسیرهای انتقال انرژی است که باعث نگرانی اروپا شد (یوراکتیو، ۲۰۰۷). اساساً جنگ گاز اخیر بین روسیه و بلاروس، بازتاب تغییر سیاست روسیه در استفاده از سلاح انرژی نیست، بلکه این کشور از دهه ۹۰ تلاش می‌کند برای تقویت سیاست امنیتی و خارجی خود در قبال همسایگانش از این ابزار استفاده کند (اسمیت، ۲۰۰۶). در اواخر سال ۱۹۹۹ وقتی پوتین به قدرت رسید، علاقمندی خود را برای توسعه همکاری انرژی با آمریکا و اروپا و استقبال از سرمایه‌گذارهای شرکت‌های نفتی غرب در صنایع نفت و گاز این کشور اعلام کرد و متعاقب آن همکاری شرکت‌های غربی در روسیه هر چند به صورت محدود آغاز شد. در دوره

کمیسیون اروپایی است. همچنین همکاری‌های پارلمانی و یا فعالیت‌های کمیته مشارکت از طریق مشاوره در سطح سفراء و متخصصان، میان روسیه و اتحادیه اروپایی تنظیم می‌شود (زاگروسکی، ۲۰۰۴: ۶).

### اهداف اتحادیه اروپایی در راستای همکاری با فدراسیون روسیه

اتحادیه اروپا در روند گسترش شرقی خود به دنبال ارتقای سطوح همکاری با فدراسیون روسیه در زمینه‌های ذیل است:

- الف) فعالیت‌های اقتصادی، تجاری، مالی
  - ب) زمینه‌های امنیتی، حقوقی و بشردوستانه
  - ج) تحقیقات و مطالعات امنیت خارجی
  - د) آموزش و تمهیدات فرهنگی، تکنیکی و علمی
- همچنین احترام به حقوق و آزادی‌های اساسی بشر و حمایت از دموکراسی، حاکمیت قانون و چرخه بازار اقتصادی آزاد، در دستور کار هر دو طرف برای توسعه روابط دوجانبه قرار گرفته است
- در حیطه همکاری‌های اقتصادی و تجاری، مشارکت‌های متقابلی میان روسیه و اتحادیه ایجاد گردیده است. تا از این طریق موانع تجاری و مشکلات سرمایه‌گذاری به حداقل ممکن برسد. از جمله این همکاری‌ها، مذاکرات در مورد پیوستن روسیه به سازمان تجارت جهانی و تهیه متمم حل و فصل اختلافات مربوط به موافقتنامه همکاری و مشارکت میان روسیه و اتحادیه اروپایی است (وادنر، ۲۰۰۵: ۵). برای توسعه اقتصادی هر چه بیشتر و همکاری تجاری پویاتر، اتحادیه اروپایی تمهیدات زیر را در نظر گرفته است:

- گزارش مخصوص در مورد فضای اقتصادی مشترک اروپایی (CEES)

اروپایی شکل گرفت. به طوری که در ماه مارس ۲۰۰۳ کمیسیون اروپایی مجموعه‌ای از قواعد و چارچوب‌های ارتباطی را در قبال روسیه پس از گسترش اتحادیه اروپایی، پیش‌بینی و تدوین نمود (یورو نیوز، ۲۰۰۵: ۱). کمیسیون اروپایی، دو پروسه عملیاتی را برای توسعه و اجرای بهتر سیاست حسن همجواری در قبال دولت‌های جدید مورد بررسی قرار داده است:

- ۱- این سند (سیاست حسن همجواری) باید توسط کمیسیون و دیگر دولت‌های عضو تنظیم شود و مورد توافق تمام اعضا قرار گیرد. اهداف و اصول اساسی آن طرح ریزی گردیده و یک جدول زمانی برای تحقق و دستیابی به برنامه‌ها مشخص شود.
- ۲- یک بازنگری سالانه از پروسه اجرای طرح، متشکل از چارچوب‌های همکاری ساختاری توسط اعضا شکل گیرد و دولت‌های جدید الورد باید در مورد پیشرفت‌های سیاسی و اقتصادی خود از اتحادیه اروپایی حکم دریافت کنند. اتحادیه اروپایی به خوبی واقف است که اعمال "سیاست حسن همجواری" بدون مشارکت فعال فدراسیون روسیه موثر نخواهد بود. با این توصیف، رویکرد سیاست خارجی اتحادیه در برابر روسیه گزینه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد. اشاعه ثبات سیاسی و اقتصادی، مشارکت برای استحکام ساختار حاکمیت قانون از طریق توسعه نهادها و سیستم‌های قانونگذاری- اجرایی و قضایی مؤثر، حمایت از ظرفیت‌های اقتصادی برای بهبود شرایط سرمایه‌گذاری در روسیه، مذاکرات سیاسی روسیه و اتحادیه اروپایی اکنون به نتایج مثبتی رسیده و چارچوب‌های مناسبی را برای همکاری ایجاد نموده است. این مذاکرات شامل ملاقات‌های منظم در سطح سران از جمله دیدارهای نخست وزیر روسیه و رئیس

سلاحهای هسته ای مجدانه همکاری نمایند (وادنر، ۲۰۰۵: ۵). در روابط روسیه و اتحادیه اروپایی مسائل حقوق بشر از حساسیت و اهمیت بسیاری برخوردار است. یکی از اهداف اتحادیه اروپا در روند همکاری‌های گسترده تر با فدراسیون روسیه، حمایت‌های مالی و کمک‌های قابل توجه انسان دوستانه به خصوص در منطقه قفقاز شمالی است. البته چنین امری میسر نخواهد شد. مگر در یک چارچوب رضایت بخش توسعه سیاسی. به عبارت دیگر برگزاری انتخابات آزاد و تقویت ساختارهای اجرایی و سازمانی، زمینه را برای تحقق اهداف بشر دوستانه در این مناطق هموار می‌سازد. با این توصیف اتحادیه اروپایی با پیشبرد طرح حسن همجواری، حمایت بیشتر فدراسیون روسیه را طلب می‌نماید. امنیت خارجی نیز یکی از گزینه‌های بحث برانگیز در خلال دیالوگ‌های سیاسی و امنیتی روسیه- اتحادیه اروپایی است. روسیه و اتحادیه اروپایی هر دو خواهان یک اروپای متحد و بدون مرزبندی‌های گذشته هستند. هر دو قصد دارند تا برای وصول این هدف به مشارکتی سازنده و پایدار دست یابند. به عنوان نمونه بحران چچن یکی از نگرانی‌های مهم اتحادیه اروپایی در زمینه امنیتی است. اتحادیه اروپا همواره فعالیت‌های تروریستی را در همه اشکال آن منع کرده و به دنبال راه حل پایدار و صلح جویانه برای حل منازعه چچن است. البته پایه و اساس حل اختلافات در این منطقه را بر حفظ تمامیت ارضی فدراسیون روسیه قرار می‌دهد. ترور رئیس جمهور چچن احمد قادرف، در نهم می ۲۰۰۴، فقدان ترتیبات امنیتی در منطقه را آشکار ساخت. عدم امنیتی که به قفقاز شمالی و حتی مسکو نیز، سرایت نمود. به همین علت اتحادیه

- گزارش مربوط به مذاکرات انرژی میان روسیه و اتحادیه اروپا

- مکانیزم نوین حل و فصل اختلافات، که امکان استفاده کارآمدتری از سیستم میانجی‌گرانه (PCA) را برای حل مناقشات تجاری فراهم می‌آورد.

مقامات اروپایی اذعان دارند که با دسترسی و عضویت سریع‌تر روسیه در سازمان تجارت جهانی، زمینه برای مشارکت روسیه در اقتصاد جهانی پیش از پیش مساعد گردیده و همبستگی‌های اقتصادی روسیه- اتحادیه اروپایی تعمیق گردیده و نهایتاً ساختارهای فضای اقتصادی مشترک اروپایی تقویت می‌شود در مورد مسائل امنیتی، هر دو طرف با ارائه بیانیه ای مشترک خواهان افزایش همکاری در مدیریت مرزها و امور مهاجرت هستند. تا از این طریق، اروپای متحد بدون مرزهای تفکیک کننده بوجود آید. برای دستیابی به این منظور، ترتیبات فراگیری اندیشیده شده تا نظام مسافرتی بدون ویزا گسترش یابد و سازوکارهای موافقتنامه عبور و مرور شینگن مورد بهره برداری بیشتری قرار گیرد (وادنر، ۲۰۰۵: ۴). در راستای فعالیت‌ها و مشارکت‌های امنیتی، دو طرف بیانیه ای مشترک در اجلاس سن پترزبورگ صادر نموده و در مورد برخی چالش‌های امنیتی و مسئولیت مقابله با آنها آمادگی خود را اعلام کردند. اقدام برای رهیافت مشترک در زمینه مدیریت بحران و همکاری جامع برای ارتقای سطوح سیاست امنیتی- دفاعی اروپایی در اولویت نخست قرار دارد. اتحادیه اروپایی و روسیه در این اجلاس با تأکید بر تعهدات خویش اعلام کردند که در چارچوب همسویی مشترکات و دغدغه‌های امنیتی، برای کنترل تسلیحات و عدم گسترش

همکاری‌های علمی - تکنولوژیکی بود. در حاشیه این اجلاس، توافقنامه‌ای میان وزارت کشور روسیه و مقامات اروپایی مبتنی بر مشارکت‌های بیشتر علمی - تکنیکی به امضا رسید (مانوئل بارووس، ۲۰۰۵: ۱ و ۴).

### گسترش اتحادیه اروپایی: قرار گرفتن روسیه و اتحادیه اروپایی در چرخه وسیع‌تری از تعامل

فدراسیون روسیه در نهم می‌سال ۲۰۰۰، پنجاه و پنجمین سالگرد خاتمه جنگ جهانی دوم را جشن گرفت. در همان روز، اتحادیه اروپایی نیز پنجاهمین سالگرد اعلامیه شومان، که به ساختارهای امروزی اتحادیه اروپایی منجر شده را جشن گرفت. موفقیت اتحادیه اروپایی حاصل ترکیب نظریه و عمل است که با روند گسترش اتحادیه به اوج خود رسیده است. اکنون نهاد یاد شده به عنوان یک بازیگر در عرصه اقتصاد جهانی با بازار عظیم و منحصر به فرد اقتصادی اش مطرح می‌شود. با همه این تفاسیر، چالش‌های پیش روی اتحادیه اروپایی اندک نیستند. اولین چالش، گسترش اتحادیه به سمت اروپای شرقی و مرکزی است (پرادی، ۲۰۰۰: ۱). اتحادیه اروپایی توسعه یافته منطقه وسیعی از ثبات و امنیت در اروپا را به وجود می‌آورد که دستاوردها و نتایج مهمی را برای روسیه و دیگر کشورهای منطقه اوراسیا به همراه خواهد داشت. اتحادیه اروپایی خواهان روابط سازنده و مثبت با همسایگان جدید خود است. در راستای این هدف روسیه به مثابه نقطه عطفی در حیطه همکاری‌های دوجانبه است. این نقطه عطف بیانگر فرصت تاریخی روسیه برای شمول در همگرایی اروپایی است. ولادیمیر پوتین از نظر اتحادیه اروپایی می‌تواند، یک دولت قدرتمند دمکراتیک براساس

اروپایی به طور آشکارا از روسیه می‌خواهد تا با شورای اروپایی و سازمان امنیت و همکاری اروپایی در راستای اشاعه هر چه بیشتر ثبات، شفاف سازی و حاکمیت قانون در منطقه همکاری نماید. اتحادیه اروپایی به کرات نگرانی خود را در مورد عدم دسترسی مناسب به چچن برای همکاری بشر دوستانه و جلوگیری از سوء استفاده حقوق بشری در این ناحیه ابراز داشته است (وادنر، ۲۰۰۵: ۴). در نهایت در حیطه همکاری‌های علمی - تکنیکی، اتحادیه اروپایی خواهان ارتقای روابط در موارد ذیل است:

- افزایش میزان رشد و رقابت اقتصادی از طریق مدرنیزه کردن اقتصاد ملی و دستاوردهای آن در روسیه و کشورهای تازه وارد اتحادیه
  - تقویت و بهبود ارتباط میان خلاقیت، ابتکار و تحقیقات
  - حفظ و حمایت از شرکتهای کوچک یا متوسط در حیطه تحقیقات و خلاقیت
  - در زمینه فراهم آوردن تسهیلات آموزشی نیز، اتحادیه اروپایی سعی دارد موارد ذیل را گسترش دهد:
  - افزایش جذابیت سیستم تحصیلات عالی در اتحادیه اروپایی و روسیه.
  - قبول و پذیرش مدارک تطبیقی تحصیلات عالی از دانش آموختگان کشورهای تازه وارد اتحادیه و متبوعین روسی.
  - تسهیل زمینه‌های همکاری قشر جوان تحصیلکرده در اجتماع، برای ارتقاء روحیه خلاقانه و مبتکر این قشر
  - اشاعه و ترویج آموزشهای مهارتهای زندگی برای جوانان
- در اجلاس رم ۲۰۰۳، یکی از نکات مهم که هر دو طرف به آن اشاره داشتند، احیای دوباره موافقتنامه

دیگر به تنهایی معطوف به روابط دوجانبه و سنتی نیست، بلکه فضایی از روابط چند جانبه فراهم شده که، روسیه باید با آن مرتبط شود (زاسلاواسکا، ۲۰۰۴: ۷).

### چالش‌های گسترش شرقی اتحادیه اروپایی در ارتباط با فدراسیون روسیه

سه مسأله اساسی باعث ایجاد موانع زیربنایی در پروسه روابط پویا و فعال میان روسیه- اتحادیه اروپایی می‌شوند:

الف) روسیه و اتحادیه اروپایی، هر یک منافع خود را از طرق مختلفی تبیین و دسته بندی می‌کنند. روسیه در تعریف روابط خود با اتحادیه اروپایی دارای نگاه ابزاری نیز هست. به این معنی که همکاری با اتحادیه تا چه حدی می‌تواند قدرت ملی و بین‌المللی روسیه را افزایش دهد.

ب) استراتژی مشترک تعریف شده در قبال روسیه، مبهم و کلی است. از سوی دیگر استراتژی میان مدت روسیه در قبال اتحادیه اروپایی بسیار دقیق و جزئی است. روسیه به عنوان یک بازیگر بین‌المللی، بسیار منفی عمل می‌نماید و نسبت به تقسیم بندی میان سیاست‌های بین‌المللی و امور داخلی‌اش، حساس و آسیب پذیر است.

ج) سومین مسأله محدود کننده روابط اتحادیه اروپایی و فدراسیون روسیه مربوط به اتحادیه اروپایی است. این اتحادیه یک بازیگر بین‌المللی کاملاً متفاوت است و ماهیت یک دولت واحد را دارا نیست، بلکه مجموعه‌ای از سیاست‌های فراملی و میان‌دولتی است. حاکمیت درون اتحادیه اروپایی، یک بعدی و مطلق نیست. سیاست‌های داخلی هر یک از کشورهای

اقتصاد خالص بازار به وجود آورد که قابلیت تام برای تضمین قوانین دمکراتیک را دارا باشد. با گسترش شرقی اتحادیه اروپایی، مرزهای اتحادیه و روسیه به هم نزدیک تر می‌شوند. کما اینکه مرزهای فنلاند پس از پیوستن دولت‌های حوزه نوردیک به اتحادیه، یک مرز مشترک اروپایی- روسی است. پس از گسترش اتحادیه اروپایی، مرزهای مشترک روسیه- اتحادیه اروپایی از ۱۳۰۰ کیلومتر به ۲۳۰۰ کیلومتر افزایش یافته است. مرزهای مشترک رو به افزایش، سبب ایجاد فرصت‌های بیشتری برای همکاری گسترده و سازنده میان روسیه و اتحادیه اروپایی می‌شود (زاسلاواسکا، ۲۰۰۴: ۶).

با ایجاد مرزهای مشترک وسیع‌تر میان اتحادیه اروپایی و فدراسیون روسیه، هر دو طرف فرصت می‌یابند تا به نحو مساعدتری مرزها را مدیریت و مهاجرت و انتقال افراد را کنترل کنند. روسیه و اتحادیه اروپایی باید ظرفیت‌های مورد نیاز برای تامین امنیت مرزها و جلوگیری از اقدامات جنایی در این حدود را بر عهده بگیرند. با نزدیک تر شدن به مرزهای روسیه، اتحادیه اروپایی به مناطق بی‌ثباتی مانند مولداوی و گرجستان نزدیک می‌گردد. اگر چه هر یک از آنها فرضیات و رهیافت‌های خاص خود را در مورد مدیریت بحران و حل و فصل اختلاف دارا می‌باشند، اما واضح است که هر دو مایلند در راستای رفع منازعات سیاسی در منطقه و خلق ثبات و امنیت با یکدیگر همکاری نمایند. از دیگر نتایج گسترش اتحادیه اروپایی برای روسیه، تحول ارتباطات سیاسی میان این کشور و اعضای جدید اتحادیه اروپایی است. این ارتباط گسترده‌تر و پیچیده‌تر شده است. به این معنی که گستره روابط میان روسیه و این کشورها



### اینگونه تقسیم بندی کرد:

الف) توسعه تعرفه‌های مشترک خارجی به کشورهای اروپای شرقی و مرکزی و پروسه آنتی دامپینگ که توسط اتحادیه اروپایی اعمال می‌شود روسیه را از صدور کالاهایش به بازار اقتصادی این کشورها باز می‌دارد.

ب) افزایش احتمالی ظرفیت‌های حمایتی و محدودیت‌های کیفی تجاری اتحادیه اروپایی از توان رقابتی محصولات روسی خواهد کاست.

ج) مقررات اتحادیه اروپایی به روند صادرات برخی کالاها از روسیه، مثل صدور مواد هسته‌ای و فولاد به دولت‌های تازه وارد اتحادیه اروپایی صدمه می‌زند.

د) گسترش شرقی اتحادیه اروپایی، حمل و نقل کالاها را از قلمرو کشورهای جدید اتحادیه با محدودیت مواجه ساخته و سبب ایجاد هزینه‌هایی برای عبور کالاهای روسی و در نهایت کاهش توان رقابتی آنها می‌شود (زاسلاواسکا، ۲۰۰۴: ۷).

عینی‌ترین و مناقشه‌انگیزترین مساله میان روسیه و اتحادیه اروپایی، مربوط به منطقه کالینگراد است. منطقه کالینگراد قسمتی از فدراسیون روسیه است که در ساحل دریای بالتیک واقع شده است. مرزهای آن از جنوب غرب با لهستان و از شرق و شمال با لیتوانی همجوار است (کالینگراد، ۲۰۰۳: ۱). در کنفرانس پتسدام ۱۹۴۵، کشورهای پیروز جنگ جهانی دوم توافق نمودند تا یک سوم خاک «پروس شرقی» را به اتحاد جماهیر شوروی اعطا کنند. این منطقه برای بزرگداشت نام آخرین رئیس جمهور اتحاد جماهیر شوروی میخائیل کالینین به «کالینگراد» شهرت یافت. پس از اینکه شوروی سابق کنترل این منطقه را به دست گرفت آلمانی‌های مقیم آنجا به صورت

عضو به خودی خود مورد تعامل و تصمیم‌گیری تمام اعضا و به بیانی وسیع‌تر مورد بررسی سیستم بین‌المللی قرار می‌گیرد (اتحادیه روسیه اروپایی، ۲۰۰۵: ۲). یکی از دغدغه‌های اتحادیه اروپایی، اقدامات روسیه در چین است. از این منظر، بمباران و نوع رفتار با مردم غیر نظامی چین، یکی از مسائل مهم بشری در چارچوب اتحادیه اروپایی به شمار می‌آید. منازعه چین دارای تبعات خاص خود بر کشورهای همسایه است (کلیوو، ۲۰۰۲). در حال حاضر عملکرد اتحادیه اروپایی نسبت به منازعه چین به دو بخش تقسیم گردیده است. اول اینکه اتحادیه، نگرانی عمیق خود را نسبت به اتفاق‌های چین ابراز نموده و آن را تنها یک مسأله مختص به سیاست داخلی روسیه به حساب نمی‌آورد. دوم اینکه آمادگی چندانی هم برای اقدامات موثر در قبال آن ندارد. به طوری که تا به حال سعی کرده به وسیله کمک‌های مالی به روسیه، تلاش‌های بشر دوستانه در چین را گسترش دهد. یکی دیگر از مواردی که پیشرفت و بسط روابط روسیه-اتحادیه اروپایی را با چالش مواجه می‌سازد، چرخه سنتی دیپلماسی فدراسیون روسیه است. از نظر تاریخی، دیپلماسی روسیه متمایل به برقراری روابط دوجانبه بوده و اهمیت روابط چند جانبه را کم‌رنگ می‌شمارد. این رویکردی است که دیپلماسی روسیه از دوران جنگ سرد به ارث برده است. از زمانی که ارتباطات بین‌المللی در راستای سیاست‌گذاری دو ابر قدرت نضج گرفته واضح است که ارتباطات با اتحادیه اروپایی و دولت‌های عضو از پیچیدگی و حساسیت بیشتری برخوردار باشد (زاسلاواسکا، ۲۰۰۴: ۷).

اثرات منفی گسترش اتحادیه اروپایی بر سیستم تجاری-اقتصادی فدراسیون روسیه را می‌توان

منطقه محدود می‌نماید. برای رهایی از این مشکلات راهکارهایی توسط اتحادیه اروپایی، روسیه، لهستان و لیتوانی اندیشیده شده است.

- ارزیابی تاثیرات تجاری گسترش اتحادیه اروپایی بر کالینگراد

- استمرار در مذاکرات میان روسیه، لهستان، لیتوانی و اتحادیه اروپایی در پیوند نظارت بر مرزها و پروسه نقل و انتقال مرزی

- بررسی ملزومات اساسی سرمایه گذاری برای تجهیز زیر ساخت‌های حمل و نقل منطقه ای.

- بررسی آینده احتمالی منطقه کالینگراد به عنوان یکی از مناطق تامین کننده سوخت و انرژی.

در مورد کالینگراد به عنوان چالشی میان روسیه و اتحادیه اروپایی، دو مفهوم اساسی مورد نظر قرار گرفته است:

۱) کالینگراد به عنوان منطقه همکاری و ۲) کالینگراد به عنوان منطقه آزمایشی. این مفاهیم اغلب یکسان فرض می‌شوند، اما دارای تفاوت‌هایی قابل توجهی هستند. ایده اصلی نهفته در مفهوم منطقه همکاری از دید روسیه این است که فدراسیون روسیه برای غلبه بر مشکلات منطقه کالینگراد ناشی از گسترش اتحادیه اروپایی از این اتحادیه کمک و مساعدت دریافت کند. در راستای چنین رهیافتی روسیه مسئولیت و صلاحیت تمام خود را برای اداره این منطقه دارا خواهد بود. واژه کلیدی این مفهوم مشکلات و همکاری‌ها هستند. این دیدگاه که از سوی روسیه بهترین حالت ممکن برای رفع چالش در مورد کالینگراد است روسیه را به عنوان یک هویت کامل جمعی؛ یعنی ما در برابر اتحادیه اروپایی؛ یعنی آنها تعریف می‌کند. در نهایت به کارگیری چنین مفهومی، انگیزه‌ای می‌شود تا این

داوطلبانه منطقه را ترک کردند و کالینگراد به صورت یک پایگاه نظامی برای جلوگیری از هرگونه حمله احتمالی از غرب و یا برای حمله به کشورهای ناتو از سوی شوروی اداره می‌شود (کریکاس، ۲۰۰۲: ۱).

پس از فروپاشی شوروی اتحاد جماهیر شوروی، کالینگراد به صورت منطقه کوچکی از بقیه روسیه جدا گردید. از نگرانی‌های عمده‌ای که در مورد کالینگراد مطرح می‌شود، می‌توان به تعداد زیاد پایگاه‌های نظامی روسیه در این منطقه اشاره نمود. کمیسیون اروپایی معتقد است وجود نیروهای نظامی روسیه در منطقه کالینگراد، مشکل بزرگی برای اتحادیه اروپایی است. از سوی دیگر، روسیه اعلام کرده است که از بازگشت آلمانی‌هایی که قبلاً مقیم این منطقه بوده اند نگران است (کریکاس، ۲۰۰۲: ۷). اتحادیه اروپایی نسبت به اوضاع کالینگراد کاملاً آگاهانه برخورد می‌کند. برای حصول موفقیت در راستای گسترش شرقی اتحادیه اروپایی اجلاسی در بروکسل در یازدهم نوامبر ۲۰۰۲ تشکیل گردید که چگونگی عبور و مرور شهروندان روسی را از این منطقه به روسیه و بالعکس را تعیین می‌کند. کمیسیون اروپایی معتقد است که حمایت‌های اقتصادی، اجتماعی جهت کمک به ظرفیت‌های موجود در کالینگراد به عنوان بخشی از روسیه، زمینه‌های همکاری روسیه- اتحادیه اروپایی را گسترش می‌دهد. کالینگراد منطقه مستعدی برای همکاری‌های اقتصادی میان روسیه و اتحادیه اروپایی است (اینوانوو، ۲۰۰۲: ۱۰۹). با گسترش شرقی اتحادیه اروپایی کالینگراد از نظر اقتصادی، فرصت‌های مغنمی را کسب خواهد کرد. اما در این اثنا با چالش‌های متعددی روبرو می‌شود و روند انتقال کالا و منابع انرژی را با سایر نقاط روسیه و همسایگانش در این

همکاری‌های استراتژیک دوجانبه تأکید می‌ورزند. آنها برای دستیابی به نتایج مفید و بهینه خواستار تقویت روندهای مثبت و سودمند مشارکتی هستند (پوتین و همکاران، ۲۰۰۲: ۲).

ایگور ایوانوف در سفرش به اسپانیا در مورد گسترش اتحادیه اروپایی گفته است: ما همواره از گسترش اتحادیه اروپایی به عنوان روند طبیعی توسعه همگرایی در اروپا استقبال کرده‌ایم. در حقیقت گسترش اتحادیه اروپایی، عواقب اقتصادی ناگواری را بر روسیه اعمال نخواهد کرد (انالارجمت، ۲۰۰۵: ۱).

اتحادیه اروپایی معتقد است که گسترش اتحادیه به سوی دولت‌های اروپای مرکزی، نتایج مثبتی را برای روسیه به دنبال دارد. این روند، ثبات سیاسی و اقتصادی را در منطقه افزایش می‌دهد و سبب بسط روابط روسیه و اتحادیه اروپایی می‌گردد.

از جمله اهداف مشخص اتحادیه اروپایی پس از گسترش این است که مرزهای نوین ایجاد شده، دارای تأثیرات کارآمدی باشند و هرگز به عنوان سد یا مانع ظاهر نشوند. برای تحقق این امر، غلبه بر برخی از مشکلات میان مرزی از جمله، مهاجرت‌های غیرقانونی، جرایم سازمان یافته و دیگر پدیده‌های بحران ساز ضروری به نظر می‌آیند، اینها چالش‌های مشترکی هستند که در ترسیم ابعاد گوناگون ارتباطی میان روسیه - اروپا جلوه گر هستند (اتحادیه روسیه اروپایی، ۲۰۰۵: ۲). چارچوب کاری "بعد شمالی" اولین راهکاری است که روسیه و اتحادیه اروپایی در سطوح همکاری‌های منطقه‌ای و درون منطقه‌ای به آن نیاز دارند. این خطی مشی بخصوص در مرزهای شمال غربی روسیه، جایی که مرزهای اتحادیه اروپایی منطبق است کارایی خواهد داشت. اگر چه چارچوب بعد شمالی ابتکاری است که اکنون

منطقه از کمک‌های مالی هر چه بیشتری از جانب مسکو و بروکسل بهره گیرد.

مفهوم دوم، شرایط مطلوب منطقه کالینگراد، که در بر دارنده موضع اتحادیه اروپایی نسبت به این منطقه است را مد نظر دارد. این مفهوم ایجاد یک روند آزمایشی در جهت توسعه همکاری‌ها و مشارکت‌ها در این منطقه را دربر می‌گیرد. به این معنی که روابط جدیدی میان روسیه و اتحادیه اروپایی برقرار گردد که بر اساس مشارکت‌های مطلوب و موثری پی ریزی شود. این مفهوم دارای واژه‌های کلیدی مشارکت و فرصت‌هاست. به عبارت دیگر اتحادیه اروپایی خواهان تقویت همکاری میان خود و روسیه در قبال کالینگراد است که فراتر از تمایزات گروهی ما و آنها شکل گرفته باشد (ایگناتیو، ۲۰۰۲: ۲).

### دستاوردهای رویکرد نوین روسیه در قبال گسترش شرقی اتحادیه اروپا

واقعیت امر این است که علیرغم چالش‌های یاد شده در روابط دو بازیگر، با بررسی روابط اتحادیه اروپایی و روسیه در دو دهه اخیر، مشخص می‌شود که روسیه از ملازمت با اتحادیه اروپایی سود برده است. در خلال سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۹۵ روسیه بزرگترین دریافت کننده کمک‌های رسمی توسعه‌ای از اتحادیه اروپایی بوده است. از سوی دیگر اتحادیه اروپایی کمک‌های فراوانی برای پیشبرد پروسه اصلاحات به دولت‌های تازه استقلال یافته آسیای مرکزی اعطا کرده است. بنابراین با نزدیک شدن مرزهای اتحادیه اروپایی به روسیه فضای همکاری میان آنها گسترده تر خواهد شد (لایت، ۲۰۰۰: ۳). روسیه و اتحادیه اروپایی همکاری‌های دوجانبه خود را در یک مسیر واضح و پایدار تدوین نموده‌اند، هر دو طرف بر اهمیت

اروپایی یکی دیگر از طرح‌هایی است که این نهاد در تعامل با روسیه به کار گرفته است. عقیده ایجاد استراتژی مشترک، ریشه در قرارداد آمستردام دارد. این استراتژی معطوف به اهداف بلند مدت سیاست خارجی - امنیتی اروپایی و اولویت‌های مورد توافق در این زمینه دارد. ابتدایی‌ترین اصول استراتژی در زمان ریاست دوره ای فنلاند و آلمان طی سال ۱۹۹۹ در شورای اروپایی به تصویب رسیدند. در رأس این اصول، استراتژی مشترک در قبال روسیه مطرح گردید. تأکید مهم بر این مطلب بود که گفتگو و مذاکره نیاز اصلی برای تعریف روابط با روسیه است. اهداف اساسی استراتژی مشترک در قبال روسیه عبارتند از:

- تحکیم دموکراسی در روسیه
- اعمال قانون و ساختارهای عمومی در روسیه
- سهمیم کردن روسیه در فضای اجتماعی - اقتصادی مشترک اروپایی
- تقویت ثبات و امنیت در اروپا و فراسوی آن (کلیو، ۲۰۰۲: ۱۶).

شورای اروپایی، استراتژی مشترک را در راستای تقویت همکاری استراتژیک میان روسیه و اتحادیه اروپایی در آغاز قرن جدید طرح ریزی نمود. همچنین آینده روسیه را یک عامل اساسی و تعیین کننده در دورنمای قاره اروپا تشخیص می‌دهد که منفعتی استراتژیک برای اتحادیه اروپایی به حساب می‌آید. استراتژی یاد شده در زمینه ارزشهای مشترک مبتنی بر ارزشهای دموکراتیک تقسیم شده، روسیه را در ابراز هویت اروپایی اش یاری خواهد کرد و فرصت‌های جدیدی را برای تمام ساکنین قاره اروپا اروپا به دنبال می‌آورد (اسچرود، ۱۹۹۹: ۱ و ۹). نهایتاً استراتژی

توسط اتحادیه اروپایی مورد پذیرش واقع شده است، اما این طرح در دیدار سران اتحادیه اروپایی در لوزان امبورگ سال ۱۹۹۷ مورد بررسی قرار گرفت. بعد شمالی از ایسلند در غرب تا شمال غرب روسیه و کشورهای بالتیک را در بر می‌گیرد. هسته اصلی این طرح، تأکید بر وجود وابستگی متقابل مثبت میان اتحادیه اروپایی، روسیه و دولت‌های بالتیک است (سرگیونین، ۲۰۰۰). از سوی دیگر، هدف این سیاستگذاری، شمول روسیه در ساختارهای جهانی و اروپایی از طریق همکاری فزاینده در زمینه‌های مختلف است. هدف نهایی از این طرح کاهش خطوط تفکیک کننده در قاره اروپاست (پوتین و همکاران، ۲۰۰۲: ۹).

پیمان بعد شمالی با حضور وزیر امور خارجه روسیه، نروژ و فنلاند در ۱۹۹۲ مورد بررسی قرار گرفت. این پیمان راه را برای همکاری بیشتر میان شورای اروپا - با دولت‌های حوزه نوردیک، روسیه و اتحادیه اروپایی هموار ساخته است. هدف سیاستمداران فنلاندی از ارائه طرح پیمان "بعد شمالی" ورود برخی از ارزش‌ها و ترجیح‌های سیاسی بومی حوزه سیاست گذاری‌های اتحادیه اروپایی و توجه هر چه بیشتر به منطقه شمالی اتحادیه اروپایی به عنوان مرزهای جدید با فدراسیون روسیه است (کلیو، ۲۰۰۲: ۱۱ و ۱۳). بعد شمالی اگرچه صریحاً دارای فاکتورهای منطقه ای نیست، اما فرصت بسیار مناسبی را فراهم می‌آورد تا روسیه به سطوح خرده فدرالی دست یابد و پیش شرط‌های جامعه مدنی را برای خود فراهم آورد. علاوه بر پیمان بعد شمالی، اتحادیه اروپایی از طریق راهکاری دیگری، روابط خود را با روسیه ساماندهی می‌کند. استراتژی مشترک اتحادیه

اروپای وسیع‌تر متضمن بروز زمینه گسترده‌تر برای همکاری متقابل است. مفهوم فضای مشترک معطوف به همکاری سیاسی و نیز اقتصادی روسیه- اتحادیه اروپایی است.

خاستگاه شکل‌گیری روابط عینی- عملی میان اتحادیه اروپایی، روسیه و جمهوری‌های تازه استقلال یافته را می‌توان در اوایل دهه ۱۹۹۰ همزمان با تکامل سیاست خارجی- امنیتی مشترک جستجو کرد. این مناسبات بر اساس موافقتنامه مشارکت و همکاری سامان یافته و تکمیل شدند. سیاست خارجی امنیتی مشترک اتحادیه اروپایی، پوششی است که به این مناسبات وجهه‌ای کاربردی و انتظام یافته می‌بخشد. این سیاست نه به عنوان تلفیقی از رویکردهای متفاوت سیاسی بر اساس محوری مشترک، بلکه با هدف انسجام فزاینده میان دولت‌های عضو تشکیل یافته است. برای تقویت و انرژی بخشی به روابط روسیه- اتحادیه اروپایی، این اتحادیه باید از محرکهایی که بر محورهای سیاسی- اقتصادی استوار است استفاده کند. به عبارت دیگر مناسبات محدود شده در چارچوب موافقتنامه همکاری و مشارکت تنها راه کار نیست، بلکه اتحادیه اروپایی باید با شناخت امور مشخص و دستاوردهای بخصوص به ترسیم الگوی کلی ارتباط با فدراسیون روسیه دست یابد. برای بهره برداری از نتایج بهینه باید از جزیی نگری صرف احتراز شود و کلیت مناسبات مورد توجه قرار گیرد. اتحادیه اروپایی باید در مورد مزایای اقتصادی حاصل از همکاری با روسیه، شفاف سازی کند انرژی نیز، از جمله زمینه‌های روابط روسیه و اتحادیه اروپایی است که می‌تواند به بهترین نحو منافع دو طرف را در آینده‌ای

مشترک، جهت‌گیری و اهداف اصلی رویکرد مشترک اتحادیه در قبال روسیه را در بر دارد. توصیه و تأکید استراتژی مشترک، توسعه همکاری‌های استراتژیکی میان روسیه - اتحادیه اروپایی است.

### نتیجه‌گیری:

گسترش شرقی اتحادیه اروپا تاکنون تأثیرات چشمگیری در روند تحولات سیاسی- اقتصادی قاره اروپا بر جای گذاشته است. بسط یافتن این اتحادیه توانایی‌های سیاسی و اقتصادی نهاد بین‌المللی مزبور را ارتقا داده و با ایجاد یک بازار واحد اقتصادی، تأثیرات خود را تا مرزهای روسیه انتقال داده است. یکی از نتایج این گسترش، تقسیم کشورهای اروپایی به دو دسته عضو اتحادیه اروپایی و دولت‌های غیر عضو است. برای ممانعت از تقسیم مجدد قاره اروپا، اتحادیه اروپایی در صدد است تا سیاست همسایگی جدید یا حلقه جدید از دوستان برای ایجاد یک اروپای امن و با ثبات را دنبال نماید. در اثنای این تغییر و تحول و با توجه به عواقب سیاسی و اقتصادی گسترش شرقی اتحادیه اروپایی، روسیه خواهان آن است تا روابط خود را با اتحادیه اروپایی باز تعریف کرده و خود را در روند همگرایی اروپا دخیل نماید. مقامات روسیه بر ضرورت ادامه همکاری با اتحادیه اروپایی اذعان داشته و برقراری روابط مفید و سازنده با کشورهای جدید اروپایی را ضروری می‌دانند. در مسیر بازتعریف روابط روسیه- اتحادیه اروپایی، نگرانیها و دغدغه‌های مشترک و متقابلی برای دو طرف به چشم می‌خورد. برای ایجاد تحولات در مسیر همکاری، مفاهیم جدیدی در حال شکل‌گیری شکل که مکانیزم‌های تجدید روابط روسیه- اتحادیه اروپایی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. به عنوان مثال مفهوم

- ۲- پانفیلوا، ویکتوریا (۱۳۸۵)، «طرح‌ها و ایده‌های مختلف در سیاست خارجی روسیه»، روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز، برگرفته از [www.did.ir](http://www.did.ir). pp00020063212551810
- ۳- زمینه‌ها و ابعاد سیاست خارجی روسیه (۱۳۸۷)، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی / گروه مطالعات اروپا و آمریکا، برگرفته از: <http://www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtid=01&depid=44&semid=245>
- ۵- دانش نیا، فرهاد (۱۳۹۱)، کاربرد نظریه بازی‌ها و نهادگرایی نولبرال در تحلیل رفتار بازیگران اصلی اپک گازی، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره ۱، زمستان.
- ۶- شیر غلامی، خلیل (۱۳۸۰) «زمینه‌های همکاری روسیه و اتحادیه اروپا». مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. برگرفته از [www.did.ir](http://www.did.ir). pp00020032109421309.
- ۷- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ۸- Baranovski, V. (۱۹۹۵) "Russia and security of Europe", international problems, No۳.
- ۹- Borko, Yuri (۲۰۰۵), "Rethinking Russia - EU Relations", eng.globalaffairs.ru.
- ۱۰- Clive, Archer (۲۰۰۲), "Eu and common strategy to Russia: Abridge too far? [www.upi-fiia.fi](http://www.upi-fiia.fi).
- ۱۱- Danilevsky, Nikolai (۱۸۷۱), "Russian and Europe", Journal on foreign affairs and international relations", p.۲۴.
- نه چندان دور تحقق ببخشند. نکته مهم دیگر این که کل روابط روسیه و اتحادیه اروپایی در فضای وابستگی متقابل معنی و مفهوم می‌یابد. بدون در نظر گرفتن وابستگی متقابل، روابط روسیه و اتحادیه اروپایی جوهره کلیدی خود را از دست داده و قابل فهم نیست. اتخاذ رویکرد اقتصاد سیاسی از طرف روسیه و گفتمان نهادگرایی حاکم بر اتحادیه اروپا باعث می‌شود این دو بازیگر متفاوت با منافع متفاوت به سمت رویکرد نهادینه شده و سازمانی مبتنی بر حاصل جمع مضاعف سوق یابند. چنین رویکردی امکان غلبه بر تفاوت‌ها و تقویت مشترکات در ارتباطات دوجانبه را فراهم می‌نماید. پس از فروپاشی شوروی، فدراسیون روسیه همواره خواستار اروپای متحد و دمکراتیک بوده است که شامل روسیه و جمهوری‌های تازه استقلال یافته نیز است. برای تسهیل چنین امری، روسیه به دنبال تقویت همگرایی در جامعه دولت‌های اروپا- آتلانتیکی است. اتحادیه اروپایی نیز، برای پاسخ به خواست روسیه و برای مسالمت آمیز کردن هر چه بیشتر فضای همکاری با روسیه از طرق مختلف حمایت خود را نسبت به روسیه اعلام نموده است. اگر چه عضویت کامل روسیه و اتحادیه اروپایی بعید و دور از واقعیت به نظر می‌رسد. اما مناسبات پویا و فعال هر دو طرف در بازدهی و سود بخشی تعاملات طرفین حتمی و اساسی به نظر می‌رسد.

## منابع

- ۱- بلینگتون، جیمز (۱۳۸۵)، مترجم مهدی سنایی، ایراس (موسسه فرهنگی مطالعاتی روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز)، برگرفته از bk00020080704312814

- ۲۴- Jos manuel durao barroso(۲۰۰۵),"Road map on the common space of research and education",www.kremlin.ru, pp.۱-۴.
- ۲۵- Kassianova,Alla(۲۰۰۱),`Russia:still open to the west?Evolution of the state Identity in the policy and security discourse",Europe- Asia studies, vol.۵۳, No.۶.
- ۲۶- Kassianva, Alla, op.cit, p.
- ۲۷- Krickus,Richard j (۲۰۰۲) Krickus, Richard j (۲۰۰۲), "Kaliningrad: Atest Case for eu-russian relations",www.european affairs.org,p,۱.
- ۲۸- Kurdelchuk,Daniel,Milinovsky,Alexander,and Novak,Inna, (۲۰۰۵), "AEuropean Approach to Ukraine's Gas Dilema:Roaed map to solve the dilemma",Mirror-Weekly,International Social Political Weekly, No.۴۹.
- ۲۹- Lo, Bobo (۲۰۰۳) Veladimir Putin and the Evolution of Russian Foreign Policy, London: Blackwell.
- ۳۰- ight,margo,White,Stepan,W hite(۲۰۰۰), "Russia and European", www.one-europe.ac. uk, pp.۱-۳.
- ۳۱- Lukyanov,Fyodor(۲۰۰۳),"Russia in global Affairs",Russian federation for press www.global affairs.ru, Vo.۱, No.۲.
- ۳۲- Prodi,Roman(۲۰۰۰),"EU-Russia summit",eu.int.p.
- ۳۳- Putin,V.V, Aznar, j.m.Solana, R(۲۰۰۲), prodi, joint statement, europa.eu.int.
- ۳۴- "Russia's Response to common strategy of the European union of ۱۹۹۹ on Russia",Europa.eu.int (۲۰۰۰-۲۰۰۱).
- ۳۵- -"Russia and eu Enlargement:selected ۱۲- -Elyassi,Hamid (۱۹۹۷), "Russia's Historical dilemma. An Emerging regional bloc", review of international Affairs.v. ۴۸, N.۱۰۶۱, pp.۳۰-۳۲.
- ۱۳- -" Eu.Russia energy dialogue' (۲۰۰۳), www.dti.gov.uk.
- ۱۴- "Eu enlargement and Russia "(۲۰۰۵). www.delrus.cec.eu.int.
- ۱۵- Euractive (۲۰۰۷), "Eu Caught in Middle of Russia-Belaruss Oil Dispute".
- ۱۶- Fawcett, Louise and Hurrell, Andrew (۱۹۹۵), Regionalism and World Politics. Oxford University Press.
- ۱۷- "Geopolitics of Eu enrgy supply" (۲۰۰۵), www.euractive.com.
- ۱۸- -Hadfield, Amelia (۲۰۰۸) "Eu-Russia Energy Relation:Aggregation and Aggravation", uk:university of kent, vol,۱۶, No,۲.
- ۱۹- -Ignatyev, Alexy (۲۰۰۲) "relations between Russia and eu:what the future holds (the european Aspect of kalingrad as a piolot region) depts,Washington.edu.p.۱-۲.
- ۲۰- Ivanov, Igor (۲۰۰۲), "the new Russian Diplomacy",R.R.Donnelly and sons Brooking-institution press, p.۱۶۱.
- ۲۱- "Joint Statement on Eu enlargement and Eu-Russia relations" (۲۰۰۴), europa. eu. int.
- ۲۲- Jervis, Robert (۱۹۹۹), Realism, Neoliberalism, and Cooperation: Understanding the Debate, International Security, VOL.۲۴,NO,۱.
- ۲۳- Johnson,debra(۲۰۰۳),"Eu- Russian energy links: apartnership madein heaven or hell?" Europa. eu. int.

Issues",www.eur.ru (۲۰۰۵)

۳۶- Schroeder, Gerhard(۱۹۹۹), "Common strategy of the European union europa.eu.int, pp.۱-۹

۳۷- Sergounin, Alexander (۲۰۰۰) "Russia and the European union: the Northern dimension", virtual. finland. fi.

۳۸- Smith, Keith (۲۰۰۶),"How Dependent Should we be on Russian Oil and gas", Center for Strategic and International Studies,http://www.csis.org.

۳۹- "The eu-Russia relation ship:What is missing ?"(۲۰۰۵), projects sipri.se,pp۴-۵.

۴۰- the eu's New Neighbours (۲۰۰۵), www.euractive.com,p.۱.

۴۱- Zagorski,Andrei(۲۰۰۴),"eu politicise toward Russia,Ukraine,Maldav and Belarus,www.europa.eu.int.

۴۲- Zaslavskaya. Natalia (۲۰۰۴),Eu enlargement: Creating frame work for Russia's integration in to wider Europe, www.sgir.org.

۴۳- Waldner, Benita (۲۰۰۲), "Joint statement, europa. eu. int.

۴۴- Waldner, Benita (۲۰۰۵)"Eu-Russia relation

ns", europa.eu.int.p.

۴۶- Waldner, Benit Ferror(۲۰۰۴), "Eu-Russia relations, Eu objectives",europa.eu.int.

۴۷- Waldner,Benit Ferror(۲۰۰۶)"The European Union and Russia–developing our shared European continent", Moscow.